

به نام خداوند جان و خرد



بنیاد ایران شناسی

پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد

رشته ایران شناسی، گرایش: فرهنگ مردم، آداب و رسوم و میراث فرهنگی

بازنمایی فرهنگ مردم ایران در سفرنامه های
اروپاییان در دوره ی قاجار

استاد راهنما

دکتر شهرام پرستش

۱۳۸۹ / ۷ / ۲۴

کتابخانه ملی ایران
تیم ملی

نگارش

محمد تقی (زاگرس) زند

زمستان ۱۳۸۸

۱۴۳۰۵۰

بسمه تعالی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته ایران شناسی

گرایش: فرهنگ مردم، آداب و رسوم و میراث فرهنگی

عنوان: بازنمایی فرهنگ مردم ایران در سفرنامه های اروپائیان در دوره قاجار

نگارش: آقای محمد تقی زند

گروه داوران

استاد راهنما: آقای دکتر شهرام پرستش

استاد مشاور: ندارد

استاد داور: جناب آقای دکتر محمد رضا نصیری

استاد داور: جناب آقای دکتر شکوری

تاریخ: ۱۳۸۸/۱۱/۱۳

امضاء.....

امضاء.....

امضاء.....

امضاء.....

بسیار سپاس ارجمند استادانی را که از آنان چگونگی شناخت
تاریخ و فرهنگ ایران زمین را آموختم تا
چرایی مهر و دل بستگی به میهن را بیشتر دریابم.

سپاس فراوان استاد بزرگوار دکتر شهرام پرستش را
که بسیار از او آموخته ام.

پیشکش به همه ی ایران شناسان جهان

و

برای سرافرازی

سپنتا کهن بوم و بر

گرانمایه دیرینه ایران

که از جان دوست تر دارمش

فهرست

چکیده

فصل اول: کلیات پژوهش

- ۱-۱. مقدمه..... ۲
- ۲-۱. بیان مسئله پژوهش..... ۴
- ۳-۱. اهمیت و ضرورت مسئله مورد پژوهش..... ۵
- ۴-۱. اهداف پژوهش..... ۶
- ۵-۱. پرسش های پژوهش..... ۶

فصل دوم: پیشینه پژوهش

- ۱-۲. پیشینه ی پژوهش در سفرنامه ها..... ۹
- ۲-۲. پیشینه ی پژوهش در زمینه ی شرق شناسی و ایران شناسی..... ۱۸

فصل سوم: نظریه و روش پژوهش

- ۱-۳. مبانی نظری و نظریه..... ۲۵
- ۱-۱-۳. مبانی نظری..... ۲۵
- ۱-۱-۱-۳. نظریه ی گفتمان..... ۲۵
- ۲-۱-۱-۳. حقیقت/ معرفت/ قدرت در نظریه ی گفتمان..... ۲۷
- ۳-۱-۱-۳. نقد گفتمان استعماری..... ۳۰
- ۴-۱-۱-۳. استعمار و پسا استعمار..... ۳۱
- ۲-۱-۳. نظریه..... ۳۳
- ۱-۲-۱-۳. نظریه ی شرق شناسی ادوارد سعید..... ۳۳
- ۲-۲-۱-۳. منتقدان ادوارد سعید..... ۳۹
- ۲-۳. روش شناسی..... ۴۵
- ۱-۲-۳. روش نقد و تحلیل شرق شناسی ادوارد سعید..... ۴۵
- ۲-۲-۳. روش در این پژوهش..... ۴۹

فصل چهارم: مفاهیم و تعریف ها:

- ۴-۱. فرهنگ..... ۵۳
- ۴-۱-۱. واژه ی فرهنگ..... ۵۳
- ۴-۱-۲. معانی و مفاهیم فرهنگ..... ۵۵
- ۴-۱-۳. تعاریف فرهنگ..... ۵۶
- ۴-۱-۴. عناصر و ویژگی های فرهنگ..... ۵۸
- ۴-۲. فولکلور..... ۶۰
- ۴-۲-۱. واژه ی فولکلور..... ۶۰
- ۴-۲-۲. تعاریف فرهنگ مردم (فولکلور)..... ۶۰
- ۴-۲-۳. تاریخچه ی دانش فرهنگ مردم..... ۶۳
- ۴-۲-۴. تاریخچه ی دانش فرهنگ مردم (فولکلور) در ایران..... ۶۴
- ۴-۲-۵. گستره ی موضوعات فرهنگ مردم..... ۶۶
- ۴-۲-۶. اهمیت و ضرورت بازنمایی فرهنگ مردم..... ۶۸
- ۴-۳. شرق شناسی؛ خود و دیگری..... ۷۱
- ۴-۴. دوره ی قاجار..... ۷۴
- ۴-۴-۱. اوضاع سیاسی دوره ی قاجار..... ۷۴
- ۴-۴-۲. اوضاع فرهنگی - اجتماعی دوره ی قاجار..... ۷۶
- ۴-۴-۱-۲. رخدادهای فرهنگی دوره ی قاجار..... ۷۶
- ۴-۴-۲-۲. تربیت و اخلاق همگانی در دوره ی قاجار..... ۷۶
- ۴-۴-۳-۲. باورهای همگانی در دوره ی قاجار..... ۷۷
- ۴-۴-۲-۴. گروه ها و پیشه های دوره ی قاجار..... ۷۸

فصل پنجم: منابع پژوهش؛ سفرنامه ها

- ۵-۱. سفرنامه..... ۸۱
- ۵-۱-۱. تعریف سفرنامه..... ۸۱
- ۵-۱-۲. ویژگی های سفرنامه..... ۸۲
- ۵-۱-۳. سودمندی سفرنامه ها..... ۸۳
- ۵-۱-۴. پیشینه ی سفر و انگیزه های جهانگردی..... ۸۴
- ۵-۱-۵. تاریخچه ی شرق شناسی (خواست شناخت دیگری و قوم مداری)..... ۸۵

- ۹۱ ۶-۱-۵. تاریخچه ی سفر اروپاییان به ایران.
- ۹۷ ۷-۱-۵. انگیزه ی آمدن به ایران.
- ۹۷ ۸-۱-۵. شمار سفرنامه های خارجی.
- ۱۰۰ ۲-۵. سفرنامه های اروپاییان در دوره ی قاجار.
- ۱۰۰ ۱-۲-۵. اهمیت سفرنامه های دوره ی قاجار.
- ۱۰۲ ۲-۲-۵. مهم ترین سفرنامه نویسان اروپایی در دوره ی قاجار.

فصل ششم: یافته های پژوهش

- ۱۱۶ ۱-۶. نگاه مثبت به فرهنگ ایران.
- ۱۱۶ ۱-۱-۶. اصالت و کهن بودن تاریخ و نژاد.
- ۱۲۰ ۲-۱-۶. نگاه به مذهب و باورهای دینی.
- ۱۲۱ ۳-۱-۶. نگاه به آیین ها و باورهای ملی.
- ۱۲۲ ۴-۱-۶. ستایش زبان و ادب فارسی.
- ۱۲۳ ۵-۱-۶. منش ها و ویژگی های نیک ایرانی.
- ۱۲۸ ۲-۶. نگاه شرق شناسانه به فرهنگ ایران.
- ۱۲۸ ۱-۲-۶. دگرسازی.
- ۱۳۰ ۲-۲-۶. کلی سازی.
- ۱۳۲ ۳-۲-۶. منفی سازی.
- ۱۴۰ ۴-۲-۶. ناهم زمان سازی.
- ۱۴۳ ۵-۲-۶. سنجش با خود(غرب محوری).
- ۱۴۶ ۶-۲-۶. توهین و تحقیر.
- ۱۴۸ ۷-۲-۶. ایستا انگاری.
- ۱۴۹ ۸-۲-۶. عجیب و غریب نمایی.

فصل هفتم: بحث، تحلیل و نتیجه گیری

- ۱۵۳ ۱-۷. بحث و تحلیل.
- ۱۶۷ ۲-۷. نتیجه گیری.
- ۱۷۴ فرجام سخن.
- ۱۷۷ فهرست منابع.
- ۱۷۷ فهرست منابع فارسی.

۱۸۴.....	فهرست مقاله ها
۱۸۶.....	فهرست منابع انگلیسی
۱۸۷.....	پیوست ها
۱۸۸.....	پیوست ۱
۱۹۱.....	پیوست ۲



نام خانوادگی: زند

بنیاد ایران شناسی

نام استاد راهنما: دکتر شهرام پرستش

عنوان پایان نامه: بازنمایی فرهنگ مردم ایران در سفرنامه های اروپاییان در دوره ی قاجار.

نام: محمد تقی (زاگرس)

رشته تحصیلی و گرایش: ایران شناسی - فرهنگ مردم

تاریخ فراغت از تحصیل: ۱۳۸۸



بنیاد ایران شناسی

چکیده

پژوهش های پسا استعماری، کوشیده اند با نقد و تحلیل گفتمان "شرق شناسی"، نشان دهند که بازنمایی "غرب" از "شرق"، یک سویه، خود محورانه و به سود غرب بوده، و در این شناخت ها، چهره ی شرق، منفی، غیر واقعی، مخدوش و برساخته ی غرب بوده است. در این میان، "ایران شناسی" به عنوان یکی از شاخه های بنیادین شرق شناسی، نیز به چالش کشیده شده است. از آن روی که یافته های ایران شناسی غربی، پایه و مایه ی ایران شناسی امروز و پژوهش های درون ایران به شمار می آید، به جاست که جایگاه و نسبت آن با الگوهای شرق شناسی بررسی و سنجیده شود. این پژوهش با بررسی نقادانه ی سفرنامه های دوران قاجار که از مهم ترین و زیربنایی ترین سرچشمه های ایران شناسی بوده اند، کوشیده است روش ها و عناصر بازنمایی شده ی فرهنگ ایران را با الگوهای شرق شناسی، سنجش و راستی آزمایی کند و نسبت و جایگاه ایران شناسی و چگونگی پیروی آن از شرق شناسی را دریابد. بررسی سفرنامه ها نشان می دهد که الگوهای گفتمان شرق شناسی در سفرنامه های اروپاییان در دوره ی قاجار، به کار نرفته و یا به شیوه ی دیگری دیده می شوند. در نتیجه "ایران شناسی" از الگوهای "شرق شناسی" پیروی کامل نکرده است.

واژگان کلیدی: ایران شناسی، بازنمایی، پسااستعمار، سفرنامه، شرق شناسی، فرهنگ مردم، گفتمان.

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه

از نخستین ماه های ورود به رشته ی ایران شناسی، "شرق شناسی" و اندیشه های ادوارد سعید به عنوان مهم ترین منتقد شرق شناسی و دلایل و گواه های استوار فراوان و اثر انکار ناپذیر او بر اندیشه ی شرق شناسانه ی غرب، توجه مرا به خود جلب کرد. از دیگر سوی، با خواندن سفرنامه ها و کتاب های ایران شناسان در باستان شناسی، هنر و فرهنگ ایران، تاریخ ایران باستان، رمز گشایی و بازخوانی خط ها و زبان های ایران باستان و ... که گوشه های تاریک هویت و تاریخ ایران زمین را یکی یکی روشن ساخته و پیش آمده بود، و بیش تر از سر کنجکاوی علمی می نمود تا نگاه استعماری، پرسش و چالشی جدی برای گردآمدن و آشتی این دو نتیجه ی به ظاهر ناهم ساز، در اندیشه ام پدیدار شد؛ آیا "ایران شناسی" غرب و یافته های پژوهش های ایرانی، از الگو و روش "شرق شناسی" پیروی کرده یا بر آن منطبق است؟

شناخت فرهنگ یا هویت فرهنگی ایران، می تواند از دو دیدگاه "نگاه از درون" یا نگاه خودی (emic)، و "نگاه از بیرون" یا نگاه دیگری (ethic)، مورد بررسی قرار گیرد. شناخت بهتر و فراخ تر زمانی به دست می آید که آمیخته ای از هر دو رویکرد باشد. برای شناخت فرهنگ مردم ایران که پیوندی نزدیک با هویت و چپستی ما دارد، نگاه "دیگری" و تحلیل، واکاوی و موشکافی آن بسیار سودمند و راه گشا خواهد بود. به آن دلیل که فرهنگ محیط بر افراد خود است و رویکرد "درون موضعی" یا ایمیک امکان نگرستن به همه ی

سویه های یک فرهنگ را نمی دهد، نگاه "برون موضعی" یا اتیک، به شناخت همه جانبه ی فرهنگ کمک می کند (وثوقی و ...، ۱۳۸۴: ۳۰۴ و ۳۰۵). از آن رو که بیشتر جهانگردان اروپایی از آگاه ترین و تیز بین ترین افرادی بوده اند که به فرهنگ ایران دل بستگی نشان داده اند، و درباره ی ایران و فرهنگ، تاریخ، جغرافیا و تمدن آن صدها کتاب در گونه ی سفرنامه ها نگاشته اند، می توان از یافته های نوشتاری آن ها و روایت آن ها از "چیستی ما" و "چگونگی ما"، سود بسیار برد.

تمدن های بزرگ همواره برای شناخت و شناساندن "خود" به "دیگری" نیاز داشته اند. غرب در گفتمان استعماری و گفتمان شرق شناسی و با نگاهی از بالا و "غرب محور" شناخت شرق را به گونه ی بازسازی شرق بر اساس دیدگاه و انگاره های خود، آغاز کرد. گفتمان شرق شناسی از سوی اندیشمندان "پسا استعماری" و با یاری گفتمان نقد و تحلیل شرق شناسی به چالش کشیده شد. شرق شناسی با این پرسش بزرگ روبرو شد که شرق حقیقی را نشناخته و چهره ای برساخته و مخدوش از شرق نشان داده است. در پی آن ایران شناسی، و نیز سفرنامه ها به عنوان اسناد نخستین این پژوهش ها، به عنوان شعبه ای یا بخشی از پروژه ی بزرگ شرق شناسی، هم چون اسلام شناسی، عرب شناسی و ... با این پرسش و چالش جدی روبرو شد. این چالش می تواند اعتبار و درستی یافته های سفرنامه نویسان را کم ارزش و مخدوش نماید.

از آن روی که از ۳۰۰ سال پیش به این سوی پژوهش های بسیاری در تاریخ، فرهنگ، هنر، زبان، ادبیات و دیگر سویه های ایران و هویت ایرانی، از سوی ایران شناسان غربی انجام شده، صدها نهاد و مؤسسه و پژوهشگاه ایران شناسی بنیان نهاده شده و هزاران کتاب و مقاله در زمینه ی ایران شناسی نگاشته شده است. در سده ی گذشته "ایران شناسی ایرانی" بر روی "ایران شناسی غربی" استوار شد و از آن سود جست و از روش آن پیروی نمود. از آن روی که "ایران شناسی امروز" در ایران به ناچار به آن پژوهش ها و یافته ها نیاز و تکیه دارد، بسیار بایسته و به جاست که جایگاه و ارزش ایران شناسی در شرق شناسی واکاوی و بازیابی شود و با الگوهای جانب دارانه و غیر علمی شرق شناسی سنجیده شود.

سفرنامه ها از مهم ترین اسناد تاریخی و مردم شناسی هستند که می توانند آشکار کننده ی تاریکی ها و کاستی های دانش ما از فرهنگ یا تاریخ یک ملت باشند. بسیاری از پژوهش های بزرگ و مهم درباره ی ایران در قالب سفرنامه بوده و شمار فراوانی از سفرنامه نویسان به ایران شناسانی نامدار بدل شده اند. از

سوی دیگر همواره سفرنامه ها، بن مایه ها و سرچشمه های ارزنده ای برای ایران شناسان پس از خود بوده اند.

دوران قاجار زمانی است که ایرانیان با دنیای باختر زمین رفت و آمد بیشتر را آغاز می کنند؛ در حالی که بسیاری از فرهنگ ها و باورهای کهن ایرانی را با خود نگاه داشته اند. از سوی دیگر نوشته ها و اسناد دست نخست بسیار با ارزشی از این دوران به جا مانده، که بخش پر شمار و ارزنده ای از آن ها را سفرنامه های اروپاییان تشکیل می دهند، که با بازنمایی و بازخوانی آنها می توان گوشه های تاریکی از فرهنگ مردم ایران را روشن نمود. بیشترین و ارزنده ترین سفرنامه هایی که درباره ی ایران نگاشته شده اند، در دوران قاجار بوده اند، از این روی سفرنامه های دوران قاجار، برای منابع پژوهش برگزیده شدند.

برای رسیدن به پاسخ آن پرسش بنیادین، و یافتن میزان دوری و نزدیکی ایران شناسی از شرق شناسی، بایسته است که الگوها و روش های شرق شناسانه شناخته شوند و هرکدام در یافته های ایران شناختی سفرنامه ها جست و جو و راستی آزمایی گردند تا چگونگی پیروی و نسبت ایران شناسی با الگو و روش شرق شناسی، نمودار شود.

۱-۲. بیان مسئله ی پژوهش

یکی از سویه های گستره ی فراخ و ژرف دانش ایران شناسی، شناخت فرهنگ ایران یا فرهنگ ایرانی است. فرهنگی که همه ی ایران شناسان به ویژه بودن، سترگی، ژرفا و دیرپایی آن اشاره نموده اند. این فرهنگ، بیش از آن که ریشه در فرهنگ رسمی و نوشته شده ی ایران داشته باشد، در میان مردم و قوم های گوناگون ایرانی، و زندگی روزمره ی ایرانیان، در شهرها، روستاها و ایل های کوچنده نمود داشته است؛ که این نمودها بیش از همه در سفرنامه های اروپاییان بازنمایی شده اند و قابل بازیابی می باشد.

نقد و پرسش از شرق شناسی و متهم کردن شرق شناسان که در پروژه ای استعماری و سوگیرانه به "شناخت" پرداخته اند، بیشتر یافته های خاورشناسان را کم ثبات و نا استوار ساخت. از آن جا که ایران شناسان امروز، به ناچار خود را در ادامه ی راه سیصد ساله ی ایران شناسی غربی می دانند، بسیار مهم و بایسته است که بدانیم آیا آن ایران شناسی با الگوی شرق شناسی استعماری سنجیدنی است؟ و یا این که

نگاه از بالا و جانب دارانه و "خود - دیگری" مدار شرق شناسی، در کجاها در ایران شناسی قابل ردیابی و پی گیری است؟ به بیانی دیگر این پژوهش به بررسی روش و چگونگی بازنمایی فرهنگ ایران در ایران شناسی غربی و سنجش آن با بازنمایی هایی که در شرق شناسی انجام شده است، می پردازد. و به دنبال یافتن تفاوتی است که ایران شناسی غربی در نگاه، روش یا رویکرد با شرق شناسی داشته است؟

۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

بسیاری از پژوهش ها و یافته ها در باره ی تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران، که زیر نام "ایران شناسی" یا "مطالعات ایرانی" از نزدیک به ۳ سده پیش در باختر زمین انجام شده است، بر پایه ی یافته های جهانگردان اروپایی بوده است. آن ها بر اساس دیده ها، شنیده ها و خوانده هایشان (آن هم بیشتر از سفرنامه های جهانگردان پیشین) در سفرنامه هایشان نوشته بودند؛ چرا که همیشه از سفرنامه ها به عنوان سند دست اول و دارای ارزش و اعتبار بالا سخن به میان آمده است. به میان آمدن گفتمان پسا استعماری و نقد گفتمان استعماری و شرق شناسی، به ویژه با نظریه ی شرق شناسی ادوارد سعید، جایگاه و ارزش یافته های شرق شناسی را نا استوار نمود. ایران شناسی که شاخه ای از شرق شناسی به شمار می رود نیز نمی تواند به سادگی خود را از این چالش بیرون بکشد. از آن رو که آغاز پژوهش های ایرانی و زیربنای ایران شناسی با اروپاییان و در دوران استعمار آغاز شده است و ایران شناسی امروز که می رود بر ایران شناسان ایرانی تکیه کند، بر آن پژوهش ها استوار گردیده و با این چالش جدی روبرو می باشد.

با واکاوی و بازنمایی این نوشته ها می توان به دیدگاه آنان در باره ی فرهنگ ایران و نیز گونه و چگونگی بازنمایی آن ها و دوری و نزدیکی آن ها به الگوی شرق شناسی پی برد. و اگر بازنمایی و گفتمان سفرنامه ها اثر کمتری از گفتمان شرق شناسی پذیرفته باشد، می توان با یافتن نشانه ها و ریشه هایش، این تفاوت را در ایران شناسی دانشگاهی اروپا نیز ردیابی نمود؛ چرا که سفرنامه ها به عنوان اسناد دست اول و یافته های میدانی، زیرساخت ایران شناسی دانشگاهی بوده اند.

۱-۴. اهداف پژوهش

هدف اصلی:

عمده ترین هدف این پژوهش نقد و تحلیل بازنمایی فرهنگ مردم ایران از متن های سفرنامه نویسان اروپایی در دوران قاجار می باشد.

هدف های فرعی:

۱- بررسی چگونگی بازنمایی فرهنگ ایرانی در سفرنامه ها با الگوی کلی بازنمایی شرق شناسی.

۲- بررسی تغییر احتمالی اثر نگاه شرق شناسانه در سفرنامه ها از آغاز تا پایان دوره ی قاجار.

۳- یافتن ریشه ها و عوامل متفاوت بودن ایران شناسی با شرق شناسی.

۴- یافتن جایگاه و نسبت پژوهش های ایران شناسی در دوره ی قاجار، با برخی شاخه های شرق

شناسی، در صورت کم رنگ بودن نگاه و نیروی گفتمان شرق شناسی در آن ها.

۱-۵. پرسش های پژوهش

۱- آیا بازنمایی فرهنگ ایران در سفرنامه ها یا ایران شناسی سفرنامه ها، از الگوهای شرق شناسی پیروی کرده است؟

۲- نگاه و روش شرق شناسی (در دو رویه ی آشکار و پنهان)، در ایران شناسی که در سفرنامه ها بازنمایی شده است، چگونه دیده می شود؟

۳- آیا می توان پژوهش ها و یافته های ایران شناسی در سفرنامه ها را در سنجش با الگوی کلی شرق شناسی متفاوت با دیگر حوزه های شرق شناسی دانست؟

۴- آیا با گذشت زمان از آغاز تا پایان دوره ی قاجار، در نگاه سفرنامه ها، از میزان اثرات گفتمان شرق شناسی کاسته شده است؟

۵- آیا مستعمره نبودن، عرب نبودن، گذشته ی باستانی با شکوه داشتن یا آریایی بودن، عواملی برای تفاوت ایران شناسی با شرق شناسی، می توانند باشند؟

فصل دوم

پیشینه ی پژوهش

۱-۲. پیشینه ی پژوهش در زمینه ی سفرنامه ها

در زمینه ی سفرنامه هایی که درباره ی ایران نوشته شده، شماری کتاب به چاپ رسیده است که بیشتر آنها به شمارش یا آمار سفرنامه ها و یا بیان چکیده ای کوتاه از سفرنامه ها بسنده کرده اند.

پژوهش ها و جستارهایی را که به سفرنامه های اروپاییان درباره ی ایران، پرداخته اند، می توان به دو گروه کلی بخش بندی کرد؛ یک گروه کتاب هایی هستند که به فهرست نگاری عنوان های سفرنامه ها و یا عنوان های فصل ها یا بخش های هر سفرنامه پرداخته اند، که بیشتر با نام *فهرست توصیفی شناخته شده* اند. مانند: *فهرست توصیفی سفرنامه های فرانسوی موجود در کتابخانه ی ملی ایران*، *فهرست توصیفی سفرنامه های انگلیسی موجود در کتابخانه ی ملی ایران*، به کوشش *محمدتقی پوراحمد جکتاجی* یا *فهرست توصیفی سفرنامه های روسی موجود در کتابخانه ملی*، به کوشش *محمد صادق همایون فر*.

این دسته از کتاب ها دارای کاستی هایی هستند؛ از جمله این که بسیاری از آن ها کهنه و قدیمی هستند و سفرنامه هایی را که پس از آن ها ترجمه و چاپ شده اند، در بر ندارند. همچنین به سفرنامه های موجود در یک کتابخانه بسنده کرده و همه ی سفرنامه ها را در خود ندارند. کاستی بزرگ این کتاب ها آن است که کالبدشناسی محتوایی ندارند و به تشریح و تحلیل و یا سنجش موضوعات و مطالب درون هر سفرنامه نمی پردازند، و نگاهی کلی و از دور دارند و جزئی نگری و دقت و باریک بینی ندارند. گروه دوم، پژوهش

هایی هستند که به یک یا دو موضوع ویژه در سفرنامه‌ها اشاره دارند و درباره‌ی یک موضوع یا یک شهر یا آداب و رسوم یک قوم و یا یک آیین ویژه (مانند نوروز) در چندین سفرنامه جستجو و گردآوری شده است. مانند: *لرستان در سفرنامه‌ی سیاحان*، اثر محمد حسین آریا لرستانی (۱۳۷۶). تهران: فکر روز، یا *کرمانشاهان در سفرنامه‌ی سیاحان*، اثر اردشیر کشاورز (۱۳۸۳). کرمانشاه: تاق بستان).

برای بررسی کتاب‌ها و پژوهش‌هایی که به گونه‌های گوناگونی بر روی سفرنامه‌ها انجام شده است، بررسی زمانی و ترتیب تاریخی را برگزیده‌ام و به شناسایی کوتاهی از هر یک خواهم پرداخت.

ا.ت. ویلسن، در سال ۱۹۲۲م. در کتابی با نام *شرح حال ایران*، شمار زیادی از سفرنامه‌های اروپاییان درباره‌ی ایران را گردآوری کرده و کاری مانند فهرست نویسی سفرنامه‌ها انجام داده است. در سال ۱۹۳۸م. ، مایکل هندریکوس براکسما^۱ در کتاب *سفرنامه و ادبیات*، آماری از شمار سفرنامه‌های درباره‌ی ایران از اروپاییان و آمریکاییانی که به زبان انگلیسی نوشته‌اند، ارائه داد. براکسما در کتاب خود شمار سفرنامه‌ها را برای هر سده جداگانه آورده است. در سده‌ی ۱۷م.، ۱۴ سفرنامه، در سده‌ی ۱۸م.، ۲۰ سفرنامه، و در نیمه‌ی نخست سده‌ی ۱۹م.، ۱۴۶ سفرنامه را گردآورده است؛ اما این کتاب فقط سفرنامه‌های انگلیسی‌زبانان را بررسیده و همه‌ی سفرنامه‌های اروپاییان را نیاورده است.

در سال ۱۹۵۲م. آلفونس گابریل، ایران‌شناس اتریشی، در کتاب *تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران*، فهرستی از اروپاییانی را که از کهن‌ترین روزگاران تا جنگ جهانی نخست به ایران سفر کرده‌اند، گردآوری نمود. کتاب گابریل به نسبت دیگران کاری کامل‌تر و جامع‌تر بود و بسیار مورد استفاده نیز قرار گرفت، اما به محتویات و نوشته‌ها و دیدگاه‌های سفرنامه‌نویسان پرداخته است.

خلقیات ما ایرانیان (۱۳۴۵) کتابی از محمد علی جمال زاده، در نقد ویژگی‌ها، خلقیات و روحیات مردم ایران با توجه به نوشته‌های ایرانیان و غیر ایرانیان در این باره است.

جمال زاده به دنبال پاسخ این پرسش بوده که غیر ایرانی‌ها و سپس ایرانی‌ها در این باره چه گفته‌اند؟ یعنی به گونه‌ای به گردآوری نوشته‌ها و دیدگاه‌های پیشینیان، در مورد اخلاق و خصوصیات ایرانی‌ها